

دکتر دانیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۰، پیشرفت انجیل، فیلیپیان ۱

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان است. این جلسه دهم، پیشرفت انجیل، فیلیپیان ۱ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس خوش آمدید. ما به فیلیپیان پرداخته‌ایم و مقدمه و فصل ۱ را از آیات ۱ تا ۱۱ پوشش داده‌ایم. اگر پایان سخنرانی قبلی در مورد فیلیپیان را به خاطر داشته باشید، من شما را با ساختار فیلیپیان آشنا کردم، به خصوص همانطور که می‌بینید، همانطور که به شما نشان دادم، سعی کردم اینجا هم به شما نشان دهم.

این ساختار عموماً به عنوان یک مرور کلی دیده می‌شود و من سعی کردم چند نکته را برجسته کنم. شاید برایتان جالب باشد که با توجه به آنچه در پایان سخنرانی قبلی سعی کردم به شما نشان دهم، در مورد پولس و زندانی شدنش در رم فکر کنید. تمام رسالت پولس، انتشار انجیل خداوند عیسی مسیح به بسیاری از نقاط جهان است.

در واقع، او ادعا می‌کند و با اطمینان بالایی می‌نویسد که برای ابلاغ انجیل به غیریهودیان فراخوانده شده است. در جریان گسترش این انجیل بود که او دستگیر شد. اگر مطالعات خود در مورد کتاب اعمال رسولان یا مطالعه شخصی خود از کتاب اعمال رسولان را به خاطر داشته باشید، ممکن است با جلسه‌ای مواجه شده باشید که در آن پولس به دلیل انتشار انجیل با مشکل مواجه شد و به زندان افتاد و در واقع آماده شلاق خوردن بود.

حال، با بازگشت به ابتدای رساله فیلیپیان، شاید به یاد بیاورید که من اشاره کردم بخشی از حق شهروندی رومی بودن این است که نمی‌توان او را تازیانه زد. پولس در استناد به این حق بسیار هوشمندانه عمل کرد، در واقع، او خودش شهروند رومی بود. و این موضوع، قلمرو کاملاً جدیدی را وارد بحث کرد، زیرا اگر او تحت محاکمه بود و اکنون در آستانه مجازات، به شهروندی رومی استناد می‌کرد، پس اینجا چیزی وجود دارد.

او از قیصر درخواست می‌کند که به حرفش گوش دهد، و این همان چیزی است که پولس را به روم خواهد کشاند و باعث می‌شود که او زندانی یا بازداشت خانگی شود. همه اینها برای جلوگیری از انتشار انجیل توسط پولس بود. در قسمت‌هایی که به طور خاص از آیه ۱۲ تا آیه ۲۶ بررسی خواهیم کرد، خواهید دید که چگونه این موضوع در فیلیپیان به وقوع می‌پیوندد.

پولس می‌خواهد بگوید، می‌دانید چیست؟ اگر هدف مورد نظر جلوگیری از انتشار انجیل باشد، حدس بزنید چه؟ این کار نتیجه نداد. حتی در زندان، انجیل همچنان آشکار خواهد شد. هیچ چیز نمی‌تواند مانع قدرت انجیل شود.

او توجه خواننده را به این واقعیت جلب می‌کند که بله، زندان رنج را تحمیل می‌کند، اما برای رنج کشیدن به خاطر مسیح، آنها باید آگاه باشند که این یک هدف ارزشمند است. در همین راستا، پولس الگوهای مناسبی را برای کلیسای فیلیپی معرفی خواهد کرد. من در مقدمه این سخنرانی اشاره کردم که در فیلیپی، آنها شایعاتی را در مورد این واقعیت پیش‌بینی یا در ذهن می‌پروراندند که ممکن است یک مبشر یهودی با ایده‌ای برای تضعیف انجیل پولس وارد شود.

اما در خود رقابت فیلیپی به عنوان یک مستعمره رومی، آنها تحت فشار مداوم از جانب فقه رومی‌ها، تمام فشار شهروندی رومی، غرور نظام ملی، ظهور و نفوذ فعالیت‌های رومی‌ها در شهر و اینکه چگونه آنها از آن، برای سرکوب آن، به ویژه در قرن اول، استفاده خواهند کرد، بودند. اگر کمی تاریخ خود را به خاطر دارید، باید بگویم که این در تاریخ کلیسا است، یا اگر آن را نمی‌دانید، اجازه دهید توجه شما را به آن جلب کنم. تقریباً در این زمان از امپراتوری روم، ما شروع به دیدن روندی می‌کنیم که در آن سزار خود را به عنوان نوعی خدایی می‌بیند که مردم باید او را پرستند و در قدرت و اقتدار به او احترام بگذارند.

بعدها در مسیحیت، کلیسای اولیه با این آزار و اذیت روبرو شد و از مردم پرسید که آیا شما می‌گویید قیصر خداوند است یا می‌گویید عیسی خداوند است. و این دو جمله تمام چیزی است که برای آزادی یا آزار و اذیت نیاز دارید. و بنابراین تصور کنید که همه این فشارها در راه است و پرستش امپراتور اکنون در فیلیپی است.

مسیحیان تحت فشار بودند. پولس می‌خواست آنها بدانند که الگوهای مناسبی وجود دارند که رنج کشیده‌اند و در رنج فیض دیده و نشان داده‌اند. آن فشار و رنج نباید متوقف شود و کسانی را که به کار خدا فراخوانده شده‌اند، متوقف نخواهد کرد.

آشنا می‌کردم، که یک ابزار باستانی است که سعی (mimesis) داشتم شما را با یک کلمه مهم به نام تقلید می‌کند یک رهبر یا یک شخصیت مناسب را به عنوان الگویی خوب برای مردم جذب کند تا از آن پیروی کنند. و ما شاهد اجرای آن در فیلیپیان، به ویژه در فیلیپیان فصل دوم و سوم، خواهیم بود. خواهیم دید که پولس چگونه از همه اینها برای انتقال پیام استفاده می‌کند. پولس نمی‌خواهد کلیسا بترسد که زندانی شدن او مانع یا مخل کار خداست.

او نمی‌خواهد آنها در موقعیتی قرار بگیرند که عقب بنشینند و بگویند، اوه، پولس بیچاره. او به فیلیپی آمد و سعی کرد مژده خداوند عیسی مسیح را برساند و با سیلاس دستگیر شد. او همین جا رنج زیادی کشید و اکنون در زندان است.

انجیل قرار است متوقف شود. نه، پولس می‌خواهد این ترس‌ها را کاهش دهد و به آنها بفهماند که در واقع حبس مانع گسترش انجیل نشده است. یک محقق بریتانیایی، اف. اف. بروس، دوست داشت این را در تفسیر خود بر رساله فیلیپیان اینگونه بیان کند.

او، پولس، یک زندانی برجسته و یک شهروند رومی بود که از حق خود برای رسیدگی به پرونده‌اش توسط امپراتور استفاده می‌کرد و اطمینان حاصل می‌کرد که هر کسی که با او در تماس بود، بداند که به خاطر انجیل است که در بازداشت خانگی است و نه به دلیل فعالیت سیاسی خرابکارانه یا رفتار مجرمانه. با این حساب، پولس سعی خواهد کرد با وضوح بالایی در آیاتی که به زودی به آنها خواهیم پرداخت، ثابت کند که، بله، او به خاطر انجیل در زندان است. و اگر کسی فکر می‌کرد که انجیل به دلیل زندانی بودن او زندانی خواهد شد، خود را گول می‌زد.

این کار جواب نمی‌دهد. بنابراین، بیایید به فیلیپیان فصل ۱ از آیات ۱۲ تا ۱۸ نگاهی بیندازیم. و پولس می‌نویسد: برادران، می‌خواهم بدانید که آنچه برای من اتفاق افتاده است، واقعاً به پیشرفت انجیل کمک کرده است، به طوری که در تمام گارد امپراتوری و برای همه کسانی که در بقیه مدت حبس من هستند، این انجیل برای مسیح شناخته شده است.

و اکثر برادران، چون به سبب زندانی شدن من در خداوند مطمئن شده‌اند، بسیار جسورتر شده‌اند تا کلام را بدون ترس بیان کنند. برخی از روی حسادت و رقابت، مسیح را موعظه می‌کنند، اما برخی دیگر از روی حسن

نیت. این گروه اخیر این کار را از روی عشق انجام می‌دهند، زیرا می‌دانند که من برای دفاع از انجیل به اینجا آمده‌ام.

اولی مسیح را از روی جاه‌طلبی خودخواهانه موعظه می‌کند، نه از روی صداقت، بلکه با این قصد که مرا در زندانم رنج دهد. پس چه؟ جز اینکه به هر طریقی، چه به تظاهر و چه به حقیقت، مسیح موعظه می‌شود. و این است که من شادمانم.

عالی. بنابراین، بیایید نگاهی سریع به این بیندازیم که چگونه پولس حبس خود را به قدرت انجیل مرتبط می‌کند و با این وضوح ثابت می‌کند که انجیل حبس نشده بود. پولس می‌گوید حبس او بیشتر باعث پیشرفت انجیل می‌شود.

به طرق مختلف، دیوارهای زندان مانع پیشرفت انجیل نشده‌اند. در واقع، نگهبانان زندان و هر کس دیگری می‌داند که چرا او در زندان است. این در واقع همان چیزی است که پولس در آیه ۱۲ می‌گوید.

زندان به او این فرصت را داد تا توضیح دهد که چرا عیسی مسیح به جهان آمد، چرا خود را در زندان یافت و شاید فرصتی برای بازگو کردن داستان آنچه در جاده دمشق برایش اتفاق افتاد. یک جوان تحصیل کرده درجه یک از طرسوس، که این امتیاز را داشت که زیر نظر خاخام غمالائیل در اورشلیم تحصیل کند، و بالاترین نوع نظم و انضباط را در جنبش‌های یهودی به نام فریسیان اعمال می‌کرد. به عنوان یک فریسی، او یک فرد عادی نبود، کسی که متعهد به آزار و اذیت کلیسا و جلوگیری از پیشرفت انجیل باشد.

او در راه دمشق با عیسی مسیح ناصری آشنا شد. این اتفاق زندگی او را تغییر داد و ماموریت جدیدی به او داد، ماموریتی برای اعلام عیسی مسیح به جهان، به ویژه و بیشتر به غیریهودیان. پولس گفت که حبس او اکنون این فرصت را به او داده است تا به زندانبانان و اطرافیانش بگوید که در واقع، عیسی برای نجات جهان آمده است.

در میان آنها، او یکی است. او زمانی یک جفاکار بود، و اگر آنها فکر می‌کردند که کارشان را انجام می‌دهند، پولس نیز چنین کاری می‌کرد، تا سعی کند جلوی پیشرفت انجیل را بگیرد. انجیل متوقف نشده است.

پولس نمی‌توانست جلوی آن را بگیرد، و زندان رومی هم جلوی آن را نگرفته بود. دارد پیشرفت می‌کند، و پولس می‌گوید نگهبانان زندان اطرافش و همه افراد دیگر این فرصت را داشته‌اند که حرف‌هایش را بشنوند. وای.

پولس در ادامه به توضیح زندانی شدن خود می‌پردازد: اگر قرار بود واقعاً مردم را بترساند یا ترس زیادی در میان برادران در خداوند عیسی مسیح در مورد دعوت و مأموریتشان برای اعلام انجیل عیسی مسیح ایجاد کند، نمی‌توانست این کار را انجام دهد. در واقع، زندانی شدن او تا حدودی به او الهام بخشیده است. بگذارید یک مثال مدرن‌تر بزنم.

همه ما درباره القاعده شنیده‌ایم. ما درباره القاعده شنیده‌ایم، و من نمی‌توانم با موضع قوی‌تر آنها مخالفت کنم. جنبش‌های بنیادگرای اسلامی در واقع آسیب بیشتری به جهان ما وارد کرده‌اند، و این چیزی است که ما باید مرتباً آن را به کار بگیریم و هر کاری برای متوقف کردن آن انجام دهیم.

اما بگذارید به شما بگویم اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد. می‌بینید که القاعده، به تعبیر امروزی، به تعبیر تروریستی امروزی، متوجه شده است که هر چه بیشتر خشونت ایجاد کند، هواداران خود را بیشتر الهام می‌بخشد و مردم را بیشتر به دنبال کردن آرمان خود سوق می‌دهد. تا حدی غمانگیز است که در آفریقا

همانطور که همین الان این سخنرانی‌ها را می‌خوانیم، دخترانی را داریم که توسط بوکوحرام، وابسته به القاعده، در شمال شرقی نیجریه ربوده شده‌اند.

اما به این نوع فعالیت فکر کنید و به جنبه مثبت آن نیز بیندیشید. زندانی شدن پولس، به جای ایجاد ترس در مردم، اکنون مؤمنان به خداوند عیسی مسیح را در مورد آنچه که به آن ایمان آورده‌اند، جسورتر می‌کند و شور و اشتیاق بیشتری برای آنها ایجاد می‌کند تا بروند و انجیل را گسترش دهند. افراد بیشتری آماده خواهند بود که برای مسیح بمیرند.

افراد بیشتری آماده خواهند بود که به خاطر مسیح زندانی شوند. پولس این دوران را می‌گذراند. این یک هدف ارزشمند است.

چیزی است که باید به آن ایمان داشت و به آن چنگ زد. حبس، مؤمنان را به موعظه کردن جسور کرده است. دوباره به آزمایش خود نگاه کنید، بدون ترس، کاملاً جسورانه.

وای. وای. ببین الان چه اتفاقی افتاده

پولس قرار است نکته‌ی دیگری را در رابطه با زندانی شدنش بیان کند. دانستن اینکه زندانی شدن او چه چیزی را به همراه دارد، بسیار خوب است، اما همچنین خوب است بدانیم که در واقع، زندانی شدن او مانع پیشرفت انجیل نشده است. در حالی که او در زندان است، مردم برای موعظه مسیح جسور شده‌اند و همانطور که در چند دقیقه‌ی دیگر در آیه‌ی ۱۵ به شما نشان خواهم داد، برخی حتی از روی انگیزه‌های خودخواهانه موعظه می‌کنند.

پولس بارها و بارها خواهد گفت که آنها هنوز مسیح را موعظه می‌کنند، و نتیجه‌گیری خود را به ما خواهد در جریان است برگردیم، اجازه دهید a گفت. وای. قبل از اینکه به هسته مرکزی آنچه در آیات ۱۲ تا ۱۸ سعی کنم چیزی را در مورد زبانی که در آیه ۱۳ استفاده شده است روشن کنم.

برادران، می‌خواهم بدانید که در آیه ۱۲، آنچه برای من اتفاق افتاده است، واقعاً به پیشرفت انجیل کمک کرده است. آیه ۱۳ به این صورت است، بنابراین در سراسر گارد امپراتوری شناخته شده است. آن کلمه گارد امپراتوری، به این فکر و به همه دیگران بچسبید که حبس من برای مسیح است.

است. این کلمه‌ای است که به طور praetorium کلمه‌ای که به گارد امپراتوری ترجمه شده، کلمه یونانی کامل و جامع در عهد جدید به کار نرفته است. در چند مورد به کار رفته است، اما این کلمه، به شکلی که در اینجا استفاده شده، در تحقیقات علمی مورد بحث است.

بنابراین، بسته به ترجمه‌ای که در حال حاضر استفاده می‌کنید، خواهید دید که برخی آن را طوری ترجمه می‌کنند که انگار به یک مکان اشاره دارد و برخی آن را طوری ترجمه می‌کنند که انگار به یک نیروی نظامی اشاره دارد. چه چیزی در تصمیم‌گیری شما برای تفسیر این کلمه نقش دارد؟ حال، اگر بگویید، اگر آن را به این معنی ترجمه کنید که حبس او در واقع به او اجازه داده است تا انجیل را در کاخ فرمانداری، پراتوریوم پخش کند، آنگاه خواهید گفت که حبس او به شما فرصتی داده است تا انجیل را در آن محیط جغرافیایی پخش کنید. اما اگر آن را به گارد امپراتوری ترجمه یا درک کنید، آنگاه با یک گروه خاص سر و کار دارید.

بنابراین اجازه دهید دیدگاه‌های مختلف در این مورد را برای شما بیان کنم. واژه پراتوریوم، یا کلمه‌ای که در اینجا استفاده شده است، در جاهای دیگر عهد جدید و به طور خاص در مرقس ۱۵ آیه ۶، یوحنا ۱۸:۲۸،

یوحنا ۱۸:۳۳ و اعمال رسولان ۲۳:۳۵ آمده است؛ این کلمه برای اشاره به محل اقامت فرماندار استفاده می‌شود. در انجیل‌ها، بیشتر خواهید دید که از این کلمه برای اشاره به محل اقامت پیلاتس استفاده می‌شود.

این کلمه همچنین می‌تواند به محافظان امپراتور یا مکانی که محافظان در آن اقامت دارند، مانند سربازخانه‌های نزدیک عمارت فرماندار، اشاره داشته باشد. با این حال، وقتی به متن نگاه می‌کنیم، به نظر می‌رسد معنای سوم یا کاربرد این کلمه در دوران باستان در اینجا خود را نشان می‌دهد که به یک گروه خاص یک نیروی نظامی نخبه که در واقع از عمارت فرماندار یا امپراتور محافظت می‌کند، اشاره دارد. شما می‌خواهید بدانید که این گروه نخبه که از کاخ امپراتور محافظت می‌کنند، در واقع یک گروه نخبه بسیار ماهر هستند که هر چهار ساعت شیفت خود را تغییر می‌دهند.

شاید بخواهید هر چهار ساعت یکبار پرسید، چرا؟ حالا، خوشحالم که این را پرسیدید. بگذارید سعی کنم آن را برای شما توضیح دهم. و شاید باید آن را به خانه بیاورم تا بتوانید واقعاً در مورد آن فکر کنید و خوب دنبال کنید.

من این را دقیقاً نمی‌دانم، اما کسی به من می‌گفت که بعضی از سگ‌های بوکش مواد مخدر در واقع حدود یک ساعت کار می‌کنند، و می‌توانند آنقدر خسته باشند که مجبور شوید آنها را ببرید و به آنها کمک کنید تا بهبود یابند و روز دیگری آنها را برگردانید. به عبارت دیگر، آنها برای یک کار بسیار دقیق و جزئی آموزش دیده‌اند، و فقط می‌توانند یک ساعت کار کنند. حالا، برای نخبگان امپراتوری، دلیل اینکه آنها را برای یک ساعت، چهار ساعت در یک زمان، قرار می‌دهند، ببخشید، این است که باید هوشیار و بیدار باشند، و این زمانی است که می‌توانند توجه خود را با هوشیاری حفظ کنند.

حالا، اگر در لندن بوده‌اید و به کاخ باکینگهام یا بعضی از این مکان‌هایی که بریتانیایی‌ها آنجا ایستاده‌اند رفته‌اید، گاهی اوقات آنها آنجا ایستاده‌اند و مثل مجسمه به نظر می‌رسند. آنها یک اینچ هم تکان نمی‌خورند این کار به تمرکز و تلاش بالایی نیاز دارد، اما شما می‌توانید آن را فقط برای مدت معینی حفظ کنید، و به همین دلیل است که تعویض نگهبانان اتفاق می‌افتد.

برای سربازان ویژه امپراتوری، چهار ساعت حداکثر زمانی است که می‌توانند با آن هوش، استعداد و آگاهی بالایی که از آنها انتظار می‌رود، زنده بمانند. حالا، پولس ممکن است فرصتی پیدا کند تا این افراد را برای نگهبانی از زندان خود داشته باشد، چون، حدس بزنید چه؟ هر چهار ساعت، مخاطبانی برای موعظه وجود دارد. هر کشیشی این را دوست خواهد داشت.

آنها تغییر خواهند کرد و وارد گفتگو می‌شوند و او خواهد گفت، پس چه چیزی شما را به اینجا آورده است؟ و این رهبر مسیحی بسیار فرهیخته می‌تواند سادگی انجیل خداوند عیسی مسیح را برای آنها بازگو کند. به قول خود پولس، اتفاقات بزرگی به دلیل زندانی شدن او در حال رخ دادن است. انجیل زندانی نشده است.

مسیحیان فیلیپی، نگران من نباشید. انجیل با وجود زندانی بودن من در حال پیشرفت است. هانسن، در تفسیر خود بر رساله فیلیپیان، می‌نویسد که اشاره پولس به نگهبانان کاخ، به نخبه‌ترین گروه سربازان رومی اشاره دارد که به عنوان محافظ ویژه قیصر خدمت می‌کردند.

ببخشید که غلط املایی دارم. این گروه ۹۰۰۰ نفره از سربازان زبده گاهی اوقات بر خود سزار هم تسلط داشتند. در واقع، آنها سزار را عزل و سپس ارتقا می‌دادند.

پس از ترور کالیگولا، یا آنچه که شما ممکن است به عنوان امپراتور آگوستین بشناسید، آنها کلودیوس را بر تخت سلطنت نشانند. بعدها، آنها مسیره‌های سلطنت نرون را هدایت کردند. اما محافظان سزار نتوانستند پولس را بترسانند.

او قدرتی بالاتر از قیصر یا محافظ قیصر تعیین کرد. او نماینده کسی بود که خداوند او را به مقام خداوند متعال رسانده بود تا مورد پرستش جهانی قرار گیرد. او هست، و او نماینده خداوند عیسی مسیح بود.

پولس از سخن گفتن دست نکشیده است. او از موضع خود در مورد انجیل خداوند عیسی مسیح کوتاه نیامده است. همانطور که جیمز مونته‌گومری بیشتر توضیح خواهد داد، سخنان پولس در مورد گسترش انجیل از طریق رنج، تأثیر زندگی او را بر غیر مسیحیان و مؤمنان آشکار کرد.

و مؤمنان برای موعظه انجیل جسارت یافتند. همه اینها دلگرم کننده است، اما یک نکته دیگر هم باید گفته شود. اگر این موارد در زندگی شما صادق است، باید اجازه دهید رنج شما را به خداوند نزدیک تر کند.

می‌تواند برعکس عمل کند. می‌تواند شما را دور کند. می‌تواند قلب شما را تلخ کند و در شما یک فرد شاکه ایجاد کند، در حالی که باید یک مسیحی پیرومند وجود داشته باشد.

به عبارت دیگر، اگر پولس شجاعت، هیجان و شادی را در زندان داشت، همانطور که حتی در این متن بیان می‌کند، من از این موضوع خوشحال می‌شدم. اگر او تمام آن هیجان را داشت، پس جیمز از جیمز مونته‌گومری می‌پرسید، اگر ما به عنوان مسیحیان خود را در مواجهه با رنج ببینیم، رفتار و نگرش ما چگونه خواهد بود؟ پیشنهاد او، حتی قبل از اینکه به فیلیپیان بروم، این است که رنج راهی برای تقویت، جسارت و توانمندی ما برای مسیحیان بهتر بودن است. یا راهی برای خرد کردن ما و فرو ریختن ما از درون و دور شدن از خدا دارد.

شاید برای لحظه‌ای از پولس چیزی بیاموزیم. رنج کشیدن برای یک مسیحی، اگرچه دیوارهای زندان در اطرافش باشد، اگرچه ممکن است نگهبانان فیزیکی را در اطراف خود ببیند که تضمین می‌کنند او کاملاً محصور است، اما او دلسرد نمی‌شود. او احساس ناامیدی نمی‌کند و احساس نمی‌کند که خدا او را رها کرده است.

اگر زمانی شنیده باشم که گفته شده، صلح با خدا به معنای فقدان اختلاف نیست، بلکه به معنای حضور خدا در کنار شماست. شاید شما هم به این فکر کنید که خدا، پولس، از زندانی شدن او چه چیزی می‌سازد و بی‌پرسید، من از شرایط دشوارم، آنطور که می‌بینم، چه چیزی می‌سازم؟ بگذارید در حالی که سعی می‌کنم توضیح دهم، آنچه را که در فیلیپیان فصل ۱، آیات ۱۲ تا ۱۴ گفته شده است، به خاطر آن بی‌اورم. پولس می‌نویسد: «ای برادران، می‌خواهم بدانید که آنچه برای من اتفاق افتاده است، واقعاً به پیشرفت انجیل کمک کرده است، به طوری که در سراسر گارد امپراتوری و برای همه آشکار شده است که زندانی شدن من برای «مسیح است».

و به آنچه در آنجا برای شما علامت گذاری می‌کنم توجه کنید. و اکثر برادران، که به واسطه حبس من به خداوند اطمینان یافته‌اند، بسیار جسورتر شده‌اند تا بدون ترس کلام را بگویند. به دو بار اشاره به برادران در این متن توجه کنید، و سپس، وقتی به فصل ۲ می‌رویم، توجه کنید که چگونه او به فرزندان خدا اشاره می‌کند.

من در این سخنرانی اشاره کردم که چگونه از زبان خواهر و برادری استفاده می‌شود، و پولس از خویشاوندی خیالی برای نشان دادن همبستگی و محبت به یکدیگر استفاده می‌کند. اما در مورد آنچه که در سطر آخر

برای شما علامت گذاری کردم فکر کنید، همانطور که به بحث در مورد آیه ۱۵ ادامه می‌دهیم. اکثر برادران که به واسطه زندانی شدن من به خداوند اطمینان پیدا کرده‌اند، بسیار جسورتر هستند که بدون ترس کلام خدا را بگویند.

توجه داشته باشید که او از آنها به عنوان اکثر برادران من یاد می‌کند. و به این فکر توجه کنید زیرا به آن باز خواهم گشت. آیه ۱۵ می‌گوید، برخی مسیح را بشارت می‌دهند، یعنی اکثر برادران من، برخی مسیح را از روی حسادت و رقابت بشارت می‌دهند، اما برخی دیگر از روی حسن نیت

اینها مسیح را از روی محبت بشارت می‌دهند، زیرا می‌دانند که من برای دفاع از انجیل به اینجا آمده‌ام دیگران مسیح را از روی جاه‌طلبی خودخواهانه بشارت می‌دهند، نه از روی صداقت، بلکه با این نیت که رنج مرا در زندان افزایش دهند. چه اهمیتی دارد؟ فقط این مهم است که مسیح به هر طریقی بشارت داده شود، چه از روی انگیزه‌های نادرست و چه از روی حقیقت

و از این بابت، من شادمانم. در موردش فکر کنید. و سپس او با گفتن بله، حرفش را تمام می‌کند، و من به شادمانی ادامه خواهم داد

آیا این چیزی است که شما از آن خوشحال می‌شوید؟ قبل از اینکه این متن را باز کنیم، اجازه دهید الگویی را در مورد نحوه برخورد مؤمنان و کافران با آن به شما نشان دهم. یکی از همکاران بسیار خوب من به نام فرانک تیلمن این ساختار را در تفسیر خود قرار داده است. فرانک در واقع توجه ما را به این ساختار دستوری به خوبی جلب می‌کند، اینکه دوستان پولس مسیح را موعظه می‌کنند. اما حدس بزنید چه؟ رقبای پولس نیز مسیح را موعظه می‌کنند

دوستان پولس از روی حسن نیت موعظه می‌کنند. رقبای پولس از روی حسادت و رقابت موعظه می‌کنند. دوستان پولس از روی عشق موعظه می‌کنند

رقبای پولس از روی جاه‌طلبی خودخواهانه موعظه می‌کنند، نه از روی صداقت. دوستان پولس می‌دانند که رقبای پولس قصد یا قرار است آسیبی برسانند. می‌بینید، دوستان پولس، آنها می‌دانند که او برای دفاع از انجیل آنجا قرار داده شده بود

اما انگیزه رقبای پولس چه بود؟ آنها می‌خواهند رنج او را افزایش دهند. آنها می‌خواهند از زندانی شدن او سوءاستفاده کنند. در این مورد فکر کنید

تصور کنید کشیش ارشد یک کلیسا هستید و به دلایلی بیمار می‌شوید. یا به دلایلی مجبور می‌شوید مدت زیادی از شهر خارج شوید. یا به دلایلی تصمیم بدی می‌گیرید و به دردسر می‌افتید، بنابراین مجبور می‌شوید مدتی دور از آنجا باشید تا به آنجا برگردید

و بعد بعضی از افراد عقب‌مانده گفتند، بیایید کار خوبی که او پشت سر گذاشته را ادامه دهیم. و بعد دیگران می‌گویند، این فرصت ماست. این فرصت ماست که قبل از اینکه او (مرد یا زن) از راه برسد، پاهایش را قطع کنیم، گردنش را ببریم، شانه‌هایش را ببریم

این چیزی بود که پولس تجربه می‌کرد. در واقع آنها [چنین احساسی] دارند. پولس از کلمه سوء نیت استفاده می‌کند. آنها از روی جاه‌طلبی خودخواهانه موعظه می‌کنند

بگذارید توجه شما را به ویژگی‌های این واعظان جلب کنم. قبلاً به شما یادآوری کردم که پولس آنها را برادر می‌نامد. آیا شما این نوع افراد را برادر می‌نامید؟ آیا این نوع افراد را آنقدر دوست خواهید داشت که بگویید می‌دانید چیست، آنها در مسیح عیسی برادر هستند؟ یا این نوع افرادی هستند که اگر شما جای پولس بودید، واقعاً آنها را نفرین می‌کردید؟ این چیزی است که پولس باید در مورد آنها به ما نشان می‌داد.

او از آنها به عنوان برخی از برادرانی یاد می‌کند که مسیح را موعظه می‌کنند. اما بدون شک، آنها از روی انگیزه‌های خودخواهانه موعظه می‌کنند. پولس نمی‌خواهد ما از یک چیز غافل شویم.

این درباره او نیست. این درباره مسیح است. آنها مسیح را موعظه می‌کنند.

انگیزه‌های آنها ناپاک است، اما آنها مسیح را موعظه می‌کنند. اگر شما هم مثل من بودید، پس به یک یا دو مبلغ مذهبی تلویزیونی گوش داده‌اید که مسیح را موعظه می‌کنند و در این بین انواع ترفندها و تاکتیک‌های فریبکارانه را به کار می‌برند، تا جایی که می‌گویند: «می‌خواهم این شخص بمیرد یا از آنجا برود.» اگر شما هم مثل من بودید، ممکن است برخی از رهبران مسیحی را دیده باشید که کارهایی انجام می‌دهند و چیزهایی را نشان می‌دهند که به وضوح انگیزه‌هایشان می‌تواند زیر سوال برود.

اما آنها هنوز از آمدن عیسی برای مردن به خاطر گناهکاران می‌گویند. پولس می‌گوید، من اولین کسی نخواهم بود که آنها را سرکوب می‌کند، اما در این مورد اشتباه نکنید. این مانند سایر مخالفانی نیست که پولس در جاهای دیگر با آنها روبرو شد و سعی دارند مردم را از مسیح دور کنند.

آنها، پولس، می‌خواهند برخی از آنها را به شیطان تحویل دهند. منظورم این است که اگر به پولس فرصتی بدهید، او به شدیدترین شکل ممکن با این موضوع برخورد خواهد کرد. اما پولس می‌گوید کسانی که مسیح را موعظه می‌کنند و به نظر می‌رسد که انگیزه‌های شخصی دارند، هنوز برادران و خواهران در مسیح هستند.

آنها توسط حسادت و رقابت هدایت می‌شدند. بیایید یک دقیقه به این دو کلمه نگاه کنیم. آنها به آنچه دیگران انجام می‌دهند حسادت می‌کنند و می‌خواهند خود را به دیگران تحمیل کنند.

حسادت آنها را به خاطر جایگاهشان و کارهایی که به نام مسیح انجام می‌دهند، به حرکت در می‌آورد. آنها از درجه بالایی از اعتماد به نفس برخوردارند و احساس می‌کنند که باید از دیگران بهتر باشند، یا به آنچه دیگران انجام می‌دهند حسادت می‌کنند. و به کلمه دوم نگاه کنید، رقابت.

ما این سخنرانی‌ها را در آمریکا ضبط می‌کنیم. بگذارید به شما بگویم که در آمریکا به آن چه می‌گوییم. ما آن را رقابت، رقابت منفی می‌نامیم.

یک حس رقابت وجود دارد، شاید فکر می‌کنند که آنها به نوعی با پولس رقابت می‌کنند و باید برنده شوند. بگذارید نکته‌ای قابل توجه در الهیات پولس را به شما یادآوری کنم. برای پولس، زندگی رقابت نیست.

از نظر پولس، رقابت غیرضروری است. از نظر پولس، در الهیات گسترده‌تر او، به هر یک از ما هدایای خاصی از جانب خدا داده شده است. و هدیه‌ای که خدا به ما داده است باید برای خدمت به بدن و خیر عمومی استفاده شود.

از نظر پولس، هیچ یک از ما همه عطایا را نداریم. در واقع، ما به همه نیاز داریم تا یک کل جامع باشیم که او از استعاره بدن برای تعریف آن استفاده خواهد کرد. پس فقط در مورد این فکر کنید.

برای پولس، اگر دست بخواهد با سر رقابت کند، چه شکلی خواهد بود؟ همانطور که شما در اول قرن‌تین بیان کردید. رقابت مهم نیست، اما پولس توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که چارچوب الهیاتی او ۱۲ عشق و رفاقت و همراهی است و رفاقت این واقعیت را که در کلیسای خدا، رقابت وجود دارد، نفی نمی‌کند. اما او کسانی را که مسیح را موعظه می‌کنند و هنوز تا حدی حسادت و رقابت را اعمال می‌کنند، دشمن نمی‌نامد.

او آنها را برادر خطاب خواهد کرد. او در ادامه خواهد گفت که آنها ریاکار هستند. ما سعی داریم از زندانی شدن او در رم سوءاستفاده کنیم.

به قول من، نه پولس، شاید در آخرین جلسه‌شان، گفتند که این یارو پولس، شاید باید او را بکشند تا ما بتوانیم مثل پولس بعدی آنجا باشیم. این یارو پولس خیلی مشهور است. چطور او اینقدر مشهور است و ما نه؟ ما می‌خواهیم مثل او شناخته شویم و احترام و اقتدار او را داشته باشیم.

او کیست؟ او فکر می‌کند کیست؟ ما باید آن باشیم. خب، به این فکر کنید که پولس چگونه این افراد را واجد شرایط می‌داند و از خود پرسید، اگر افرادی را می‌شناسید که از روی حسادت و رقابت مسیح را موعظه می‌کنند و ریاکار هستند، آیا آنها جزو اولین افرادی هستند که قرار است ملاقات کنید و بغلشان کنید و بگویید، برادر فوق‌العاده، خواهر فوق‌العاده. خوشحالم که تازه با هم آشنا شدیم.

تو خیلی خوبی. بیا به کم با هم وقت بگذرونیم. می‌تونی نفست رو حبس کنی و 30 دقیقه بدون اینکه بخوای درستش کنی یا باهاش مثل دشمن رفتار کنی، حرف بزنی؟ پاول می‌گه، صبر کن.

به تصویر کلی فکر کنید. گاهی اوقات واعظان یا مسیحیان ممکن است برخی ویژگی‌های منفی داشته باشند، اما اگر پایه و اساس اصلی و پیام اصلی آنها مسیح و مصلوب شدن اوست، به آنها زمان بدهید. این موضوع مرا به یاد حادثه‌ای در کتاب اعمال رسولان می‌اندازد که واعظی به نام آپولوس وارد شد و خطبه‌ای قدرتمند ایراد کرد.

آپولوس، در اعمال رسولان ۱۸، شخصیتی بسیار فصیح بود. او تمام مهارت‌های بلاغت یونانی را که قبلاً در این سخنرانی به شما اشاره کردم، آموخته بود و طبق گفته‌ی اعمال رسولان، او فصیح صحبت می‌کرد، اما الهیات وحشتناکی داشت. پریسیلا و آکیلا او را به کناری کشیدند و توانستند به آرامی به او کمک کنند.

دفعه‌ی بعد که درباره آپولوس شنیدیم، او در واقع یک شخصیت مهم در مسیحیت بود که نامش در اول قرن‌تین به گونه‌ای ذکر شده بود که مردم فکر می‌کردند باید از او یا پولس یا پطرس پیروی کنند. پولس می‌گوید برخی از روی جاه‌طلبی خودخواهانه موعظه می‌کنند، اما آنها مسیح را موعظه می‌کنند، فیض آنها مسیح را موعظه می‌کنند و ما باید بتوانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم و با آنها مانند برادر و خواهر رفتار کنیم.

یکی از دوستانم اخیراً داستانی در مورد فیض و مسائل مربوط به کلیسا تعریف کرد. او در مورد مردی صحبت می‌کند که به کلیسای او آمده و در آنجا کشیش بوده و مردی بسیار ناراحت بوده و از او پرسیده که آیا شما کشیش این کلیسا هستید؟ و آن دوست برای لحظه‌ای گفت، نمی‌دانستم چه بگویم چون نمی‌دانستم. اگر بگویم بله، او مرا کتک خواهد زد یا نه. اما بعد گفت، من به هر حال گفتم بله.

او گفت، پس همسر من در کلیسای شماست؟ او گفت بله. همسر من را می‌شناسی؟ همسر من این است. همسر من آن است، و شروع کرد به فهرست کردن انواع چیزهای وحشتناک در مورد همسرش. و دوستش گفت هر چه بیشتر در مورد چیزهای وحشتناک در مورد همسرش صحبت می‌کرد، لبخندش بزرگتر می‌شد.

او دید که آن مرد کنجکاو است که چه اتفاقی دارد می‌افتد، بنابراین مکث کرد و از او پرسید چرا. و یکی از دوستانم گفت که تو نمی‌فهمی. این دقیقاً همان نوع افرادی هستند که ما در کلیسای خود می‌خواهیم، زیرا کلیسا جای افراد بی‌عیب و نقص نیست.

کلیسا از افرادی مثل او تشکیل شده است، و خدا در زندگی شما کار می‌کند. صبر کنید و ببینید که خدا در زندگی همسرتان چگونه کار می‌کند. و اگر چیزهای خوبی دیدید، بیایید با هم شادی کنیم.

وای. پولس می‌گوید برخی انجیل را از روی انگیزه‌های خودخواهانه، از روی حسادت و رقابت، و ریاکارانه موعظه می‌کنند.

آنها جاه‌طلبی‌های شخصی دارند. اما او گفت، حتی به این دلیل که آنها مسیح را موعظه می‌کنند، من از این بابت شادمانم. و او گفت، بله، با این [مطلب]، من همچنان شادمانم.

وای. کلیسا، همانطور که پولس توضیح می‌دهد، ترکیبی از اجزای آن، از گناهکارانی تشکیل شده است که به لطف الهی نجات یافته‌اند. کلیسا در حال رشد، تلاش و انجام هر کاری است که می‌تواند برای خدمت به مسیح انجام دهند.

بیایید سریع بچه را با آب حمام دور نیندازیم. این یکی از آن اصطلاحاتی است که در آمریکا یاد گرفتیم و گاهی اوقات آن را وارونه می‌کنم. بیایید به این فکر کنیم که مسیح در زندگی یک شخص کجا قرار دارد.

و بیایید ببینیم در نهایت چه کسی مورد تجلیل قرار می‌گیرد. بیایید ببینیم چه چیزی به سمت ما هدایت می‌شود در مقابل چه چیزی به خاطر آرمان مسیح تبلیغ می‌شود. و اگر چیزی به سمت ما هدایت شود، ممکن است چندان مثبت نباشد.

اما تصویر کلی‌تر، تبلیغ مسیح و آرمان مسیح است. پولس می‌گوید، من شادمانم. آیا اگر چنین اتفاقی بیفتد، می‌توانیم شادمان باشیم؟ پولس، همانطور که در آیه ۱۹ اشاره می‌کند، مطمئن است که از طریق دعاهای دوستان فیلیپی‌اش، به یاری روح عیسی مسیح، حبس او منجر به نجات یا رهایی خواهد شد.

کمی برمی‌گردم تا به بعضی از این موارد اینجا و آنجا پردازم، اما بگذارید شما را به اینجا برگردانم تا به برخی از این عبارات نگاهی بیندازید. شاید باید به کلمه نجات نگاهی بیندازیم. پولس می‌گوید که حبس او به نجات ختم خواهد شد.

او در پایان آیه ۱۸ گفت، بله، و من شادمان خواهم شد. آیه ۱۹: زیرا می‌دانم که از طریق دعاهای شما و یاری روح عیسی مسیح، این به رستگاری من منجر خواهد شد. این کلمه در یونانی، کلمه‌ای است که ما آن را به معنای نجات ترجمه می‌کنیم.

خب، سوال در مورد تحقیق، و اگر تفسیر را انتخاب می‌کنید، شاید شما فرد کنجکاو باشید. این واقعیت که شما مجموعه مطالعات کتاب مقدس ما را دنبال می‌کنید، حدس می‌زنم این است که شما یک فرد کنجکاو هستید، یک مسیحی که سعی می‌کند یاد بگیرد و رشد کند تا به فرد بهتری تبدیل شود. بنابراین، من فرض می‌کنم که شما ممکن است قبلاً با برخی از تفسیرها مواجه شده باشید.

اگر به سراغ تفاسیر مفصل‌تر بروید، از تعداد صفحاتی که به توضیح عدالت اختصاص داده شده است شگفت‌زده خواهید شد. کلمه نجات یا رهایی به چه چیزی اشاره دارد؟ وقتی او می‌گوید از طریق دعاهای آنها

و کمک روح عیسی مسیح، این به نجات تبدیل خواهد شد. آیا او به تبریته خود در دادگاه اشاره می‌کند؟ اینکه وقتی او محاکمه شود، خدا او را نجات خواهد داد.

یا نجات می‌تواند مفهوم نجات یافتن، آزاد شدن، رهایی یافتن و رهایی یافتن را داشته Soteria در واقع، کلمه باشد. یا اینکه اشاره‌ای به تبریته شدن در دادگاه آسمانی است؟ روش دیگر بیان پولس این است که بگوید می‌دانم که می‌دانم که می‌دانم، می‌دانم که شما برای من دعا می‌کنید و کمک روح عیسی مسیح در اختیار من است. می‌دانم که می‌دانم که می‌دانم که خدا در درازمدت در من جلال خواهد یافت.

بیشتر محققان بین این دو بحث می‌کنند و صفحات زیادی را صرف توجیه یکی یا دیگری می‌کنند. اما آیا این کلمه به هر دو اشاره دارد؟ من توضیحی از یک محقق برجسته عهد جدید که مدت زیادی از بازنشستگی‌اش نمی‌گذرد، گوردون فی، پیدا کرده‌ام که در تفسیرش بر فیلیپیان این موضوع را توضیح می‌دهد. او این را اینگونه بیان می‌کند.

تمام این ماجرا به رستگاری نهایی و اثبات حقانیت کنونی من تبدیل خواهد شد. وقتی که از طریق دعاهای شما و با کمک روح مسیح، انتظار و امید خالص من در محاکمه‌ام محقق شود، نه تنها شرمنده نخواهم شد بلکه به شکلی بسیار آشکار، مسیح از هر نظر بزرگ شمرده خواهد شد.

چه به من زندگی داده شود و چه به مرگ محکوم شوم، به تعبیر فی، فی می‌گوید که این کلمه می‌تواند هر دو معنا را داشته باشد. اینکه وقتی برای او دعا می‌کنند و روح مسیح به او کمک می‌کند، ممکن است از زندان نجات یابد.

اما چه از زندان نجات پیدا کند و چه نجات پیدا نکند، می‌داند که امیدی وجود دارد. ضمناً، پولس در مورد امید طوری صحبت نمی‌کند که انگار چیزی است که شاید اتفاق بیفتد، شاید هم نه. شاید اتفاق بیفتد.

نه. برای پولس، امید چیزی ملموس در آینده است که او منتظر است تا آن را به دست آورد. و او می‌گوید از طریق دعاها و کمک‌های آنها، این ممکن است سهم او باشد.

پولس در ادامه به بیان آرزوی خود خواهد پرداخت. او در این آرزوی خود، آن را با شادی بیان خواهد کرد. آیا به این واقعیت فکر کرده‌اید که این مرد از زندان می‌نویسد؟ با این حال، او در آیه ۲۰ می‌نویسد، همانطور که انتظار و امید مشتاقانه من است، که به هیچ وجه شرمنده نخواهم شد.

اما اکنون، با شجاعت کامل، مانند همیشه، مسیح در بدن من جلال خواهد یافت، چه با زندگی و چه با مرگ. زیرا برای من، زیستن مسیح است و مردن سود. اگر قرار است در جسم زندگی کنم، این به معنای کبد پربار برای من است.

با این حال، من بر سر یک دوراهی هستم و نمی‌توانم بگویم کدام را باید انتخاب کنم. بین این دو گیر کرده‌ام. آرزوی من رفتن است، اما او ادامه می‌دهد و می‌گوید، به خاطر تو، می‌خواهم مدتی اینجا بمانم.

برای پولس، حس شادی و اطمینان روشنی وجود دارد که دعاها به نجات او کمک خواهند کرد. و انتظار و امیدی وجود دارد که او مسیح را بی‌آبرو نخواهد کرد، بلکه در بدن خود جلال یا افتخار را برای مسیح به ارمغان خواهد آورد. اجازه دهید در اینجا مکث کنم تا یک مفهوم اصلی در فرهنگ مدیترانه باستان را توضیح دهم.

آبرو و شرم بخش عمده‌ای از فرهنگ بودند. چیزی وجود داشت که ما آن را آبروی انتسابی می‌نامیم. آبرویی که به دست می‌آید.

افتخار انتسابی، افتخاری است که در آن متولد می‌شوید؛ شما در یک خانواده خوب، یک خانواده بزرگ متولد می‌شوید و تمام این منابع را به ارث می‌برید و شما این فرد شریف هستید. و سپس افتخار اکتسابی وجود دارد، که نوعی افتخار است که با انجام کاری بزرگ و از این قبیل به دست می‌آورد. همه اینها در فرهنگ ادغام شده‌اند.

لزوماً هیچ ارتباط معناداری بین این دو وجود ندارد، اما شرافت و شرم به بخش مهمی از فرهنگ مدیترانه باستان تبدیل شده‌اند. بی‌آبرو کردن گردان خود در ارتش ممنوع است. بی‌آبرو کردن پدر می‌تواند منجر به مرگ شود.

حتی امروزه، ما در مناطقی از جهان درباره قتل‌های ناموسی می‌شنویم، جایی که اگر زنی از یک فرهنگ یا مذهب خاص با فردی در چارچوب خانواده خود ازدواج کند، این کار شرافتمندانه نیست. آن شخص خانواده را بی‌آبرو می‌کند. و برای بی‌آبرو کردن خانواده، مرگ اشکالی ندارد. در واقع، مردی که دخترش را به خاطر ازدواج با فرد اشتباهی که باعث بی‌آبرویی او می‌شود، می‌کشد، در واقع تا حدی نشان افتخار دارد.

بچه‌ها می‌خواهند برای احترام به والدینشان زندگی کنند. مردم می‌خواهند برای احترام به جامعه زندگی کنند. پولس می‌خواهد تجربه‌اش برای کسی که او را فراخوانده، افتخار به ارمغان بیاورد.

و او امیدوار است و دعا می‌کند که نام مسیح را که موعظه می‌کرده، بی‌آبرو نکند. او باعث تمسخر یا شرمساری عمومی نام مسیح نشود. او می‌خواهد که در رنج‌هایش مورد احترام قرار گیرد.

وای. آرزوی پولس. بر این اساس است که او آرزوی خود را با وضوح بیان می‌کند.

برای او، چه زنده باشد چه مرده، چیزی از دست نمی‌دهد. در واقع، برای زنده ماندنش، به تبرئه اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، اگر او محاکمه‌اش را پشت سر بگذارد و تبرئه شود، عالی است.

خب، اگر او زنده نماند و به مرگ محکوم شود، این هم عالی است. زیرا سرنوشت او به هیچ وجه مختل نمی‌شود. در واقع، اگر زنده می‌ماند، این فرصت را داشت که کار نیک خداوند عیسی مسیح را ادامه دهد، که این امر پیامدهای مستقیمی بر کلیسای فیلیپی خواهد داشت.

اگر بمیرد، به نزد خداوند می‌رود. به جای بهتری می‌رود. حتی شاید تاج و تخت را نیز دریافت کند.

با این حال، لازم است که پولس بماند تا بتواند بیشتر مایه برکت کلیسای فیلیپی باشد. بله، شما نمی‌خواهید فکر کنید که او این را می‌گوید چون ترسو است. شما نمی‌خواهید فکر کنید که پولس برخی از این چیزها را مطرح می‌کند چون نمی‌خواهد بمیرد.

و البته، من نمی‌خواهم بمیرم. اما با توجه به جایی که پاول در زندان بود، او، مرگ یک گزینه واقعی است. و اگر در زندان در وضعیت بدی هستید، گاهی اوقات آرزو می‌کنید که کاش می‌توانستید بمیرید.

اما او گفت، بگذارید سخنان خودش را برای شما بخوانم. برای من، در آیه ۲۱، زیستن مسیح است و مردن سود. اگر قرار است در جسم زندگی کنم، این به معنای کار پربار برای من است.

با این حال، کدام را انتخاب کنم؟ نمی‌توانم بگویم. بین این دو گیر کرده‌ام. آرزوی من این است که از اینجا بروم و با مسیح باشم.

زیرا این بسیار بهتر است. اما ماندن در جسم برای شما ضروری‌تر است. با اطمینان به این موضوع، می‌دانم که برای پیشرفت و شادی شما در ایمان، خواهم ماند و با همه شما خواهم ماند تا در من، به خاطر آمدن من نزد شما، دلیل کافی برای فخر در مسیح عیسی داشته باشید.

وای. پولس دوست دارد برود؛ او دوست دارد دوباره با کلیسای فیلیپی متحد شود تا در نهایت، مسیح دوباره، مسیح، جلال یابد. بگذارید داستانی را برایتان تعریف کنم که حدود پنج سال پیش در کلاس درس من، یا بهتر بگویم، در دوران تدریس در دانشگاه، اتفاق افتاد.

من داشتم به پولس درس می‌دادم و آن روز داشتم این بخش از فیلیپیان را پوشش می‌دادم. حدود ۱۶ یا ۱۸ دانش‌آموز در کلاس بودند. دختری را دیدم که گوشه کلاس نشسته بود و هق هق می‌کرد و گریه می‌کرد.

داشتم فکر می‌کردم چه اتفاقی دارد می‌افتد، اما سعی کردم خونسرد باشم، استاد، بنابراین حرفش را قطع نکردم. دخالت نکردم. این دانشجویان بعداً درست بعد از کلاس به دفتر من آمدند چون من از او پرسیده بودم که حالش چگونه است و اگر می‌توانستم کمکی بکنم، می‌توانست با من صحبت کند.

او به دفتر من آمد، در یک دانشگاه کاتولیک یسوعی تدریس می‌کرد. گفتم، استاد، می‌خواهم چیزی به شما بگویم. در آن روز، او قصد خودکشی داشت.

دوستش خودکشی کرده بود. یکی از اقوامش همین چند وقت پیش خودکشی کرده بود. دوستش آنقدر به زمانی که قرار بود با من ملاقات کند نزدیک بود که به تمام چیزهایی که از سر می‌گذراند فکر کرد؛ کار بعدی که می‌توانست خودش در آن روز انجام دهد، خودکشی بود.

او به کلاس آمد و گفت: «شنیدم که آن کلمات را خواندید: زندگی مسیح است، مردن سود است.» ناگهان متوجه شدم که امیدی وجود دارد. خودخواهی من این است که جانم را بگیرم، اما فقط می‌خواهم بدانی که هنوز ضربه مغزی دارم.

من همه چیز را برای خودکشی دارم. به کمک نیاز دارم. بگذارید خلاصه‌ای از این داستان را برایتان تعریف کنم.

آن دختر خودکشی نکرد. او در مسیح امید پیدا کرد. من حتی در مورد مکالمه‌ام با او مطمئن نیستم.

واضح است که آن روز، او آماده نبود که زندگی خود را کاملاً به مسیح عیسی بسپارد، اما در کلام خدا امیدی برای مردن پیدا کرده بود. قدرت انجیل از بسیاری جهات آشکار می‌شود. پولس در این متن به ما نشان داده بود که در واقع، دیوارهای زندان نمی‌توانند جلوی انجیل را بگیرند.

اگر کسی فکر می‌کرد زندانی کردن پولس، انجیل را زندانی می‌کند، اشتباه می‌کرد. در زندان، نگهبانان زندان با مسیح آشنا شدند. در زندان، افراد بیشتری جسارت یافتند تا انجیل خداوند عیسی مسیح را گسترش دهند، و در جریان گسترش انجیل، بلکه برخی از روی انگیزه‌های خودخواهانه و از این قبیل، مسیح را موعظه می‌کردند، اما پولس می‌گوید، من خوشحالم.

مسیح موعظه می‌شود. در اینجا، او وارد می‌شود و داستان خود را تعریف می‌کند و از خدا به خاطر دعاهایشان و کمک خداوند عیسی مسیح و تمام آنچه که کمک خداوند عیسی مسیح باید ارائه می‌داد، تشکر می‌کند. برای پولس، مسیح زنده است.

مردن سود است. پیام انجیل واقعی است. قدرت دگرگون‌کننده‌ی انجیل خداوند عیسی مسیح هنوز متوقف نشده است.

این روش جواب می‌دهد، و دروازه‌های جهنم نمی‌توانند جلوی آنچه خدا می‌خواهد انجام دهد را بگیرند. اجازه دهید این جلسه را با نقل قولی به پایان برسانم که ما را به آرامی به مرحله بعدی می‌برد. مویز سیلوا، در تفسیر خود بر فیلیپیان، می‌نویسد که در فیلیپیان ۱، ۲۵ تا ۲۶، رسول با توصیفی تأثیرگذار از هدفی که با آزادی او محقق خواهد شد، فیلیپیان را تسلی می‌دهد.

پیشرفت آنها در ایمان، شادی آنها در آن ایمان، جلال فراوان آنها در مسیح از طریق پولس. پولس قبلاً در آیه ۱۲ در مورد پیشرفت انجیل صحبت کرده بود. اکنون، او بر مشارکت فیلیپیان در این پیشرفت تمرکز می‌کند.

پیشرفت انجیل، انجیل خداوند عیسی مسیح، در حال پیشرفت است. بله، ما با یک چالش بزرگ در تمدن غرب روبرو هستیم، اما اشتباه نکنیم. فراتر از جهان غرب، قدرت انجیل دیده می‌شود.

زندگی‌ها در حال دگرگون شدن هستند. هیچ چیز مانع کاری که خدا می‌تواند انجام دهد، نمی‌شود. معتادان به مواد مخدر شاهد تغییر زندگی خود هستند و نجات می‌یابند.

من بت‌های زیادی را سوزانده‌ام، زیرا بت‌پرستان جان خود را به مسیح می‌دهند. بله، زندان نمی‌توانست پولس را متوقف کند، و امروز، اگر ما پیروان، پیروان وفادار و واعظان مسیح باشیم، هیچ چیز نمی‌تواند ما را متوقف کند. همانطور که این کار را انجام می‌دهیم، به یاد داشته باشیم که برخی ممکن است این کار را از روی انگیزه‌های خودخواهانه انجام دهند.

بیا بید با آنها صبور باشیم. بیا بید فیض نشان دهیم. بیا بید اجازه دهیم مسیح در زندگی آنها کار کند و در نهایت، او، مسیح، جلال خواهد یافت.

مجدداً از شما به خاطر دنبال کردن دوره ما در مورد مطالعات کتاب مقدس بسیار سپاسگزارم، و امیدوارم که با مطالعه فیلیپیان، شما نه تنها این موضوع را درک کنید، بلکه آن را درونی نیز بکنید. شما شروع به دیدن یک زندگی جدید می‌کنید که می‌تواند زیسته شود، زندگی‌ای پر از جلال و ستایش برای کسی که به او خدمت می‌کنیم و او را خداوند و استاد خود، عیسی مسیح، می‌نامیم. مجدداً از شما به خاطر دنبال کردن این دوره بسیار سپاسگزارم.

این دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان است. این جلسه دهم، پیشرفت انجیل، فیلیپیان ۱ است.